

## هندسۀ فرهنگ سیدالشهداء

### دکتر حمید رضا صفاکیش

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، تهران، ایران

### سیدمحمدعلی موسوی (نویسنده مسئول)

کارشناس ارشد تاریخ واحد تهران مرکز، تهران، ایران

musavimohamadali@gmail.com

---

### چکیده

پر واضح است که در قیام انقلابی حسین بن علی (ع)، بر ضد دستگاه حاکم اموی که با خواستهای عدالت محوری، ضربه به مشروعیت خلافت نامشروع اموی و تلاش در جهت اعلام حقانیت، امامت و ولایت وارد عرصه‌ی تاریخ شد تا کشتی تشیع را از بستر ناآرام زمانه و ناملایمات دشمنان، به ساحل آرامش رهنمون سازد و جامعه‌ای آرمانخواه را با فرهنگی مترقی شکل داده و رهبری نماید.

در حقیقت قیام عاشورا که به زندگانی پرخیر و برکت حسین بن علی (ع)، امام سوم شیعیان پایان بخشید، فصل نوینی را در تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی و مذهبی ایفا نمود که می‌توان از آن با عنوان مهندسی فرهنگی امام حسین (ع) یاد کرد.

در همین راستا، این پژوهش بر آن است، هر چند کوتاه‌نگاهی تحلیلی به برخی از مهمترین مبانی مهندسی فرهنگی امام حسین (ع) که دامنه‌ای به وسعت تاریخ و ژرفایی به وسعت فرهنگ جوامع شیعی دارد، بیاندازد تا مشخص شود تحولات ناشی از فرهنگ سازی آن امام بزرگوار، در حوزه های سیاسی، مذهبی و ادبی تا چه میزان بالیده است.

**واژگان کلیدی:** فرهنگ، مهندسی فرهنگ، امام حسین (ع)، تشیع، عاشورا

#### مقدمه

فرهنگ تشیع که از یک سو ریشه در آموزه‌های قرآنی و سیره نبوی و از سوی دیگر، ریشه در فرهنگ زایشی ائمه‌ی اثنی عشری دارد از میان منظومه‌ی دوازده گانه‌ی امامان آن، امام سوم؛ حسین بن علی (ع) و عصر ایشان به دلیل برخورداری از ویژگی‌های کنشی و مناسبات روشی و چالش با خلافت نامشروع اموی، از امتیازات ویژه‌ای برخوردار است.

سیره، روش اخلاقی، سلوک سیاسی و منهج فرهنگی امام حسین (ع) مجموعه‌ای از فرهنگ معنوی بی بدیل تشیع را با نمادهایی پایا تولید کرد که در طول تاریخ با عنوان فرهنگ عاشورایی شناخته می‌شود. این فرهنگ در حالی پا گرفت که هنوز بارقه‌های فرهنگ نبوی از جامعه رخت بر نبسته بود. اما تلاش‌های معاویه و جریان قریش برای امحاء فرهنگ اسلامی در حال تکاپو، جهت ماندگاری و تاثیرگذاری کارساز به نظر می‌رسید.

در همین راستا نحوه‌ی جانشینی نامشروع یزید بن معاویه و خلافت او با دستمایه‌های فرهنگ جاهلی، آخرین اقدام معاویه بر استمرار حاکمیت قریش و شاخه‌ی سفیانی بود. این رخداد نامشروع در روند خلافت، به خیزش حرکتی معترضان و انقلابی هم چون قیام عاشورا منجر گشت که پس از خود، سرمنشاء و زمینه ساز تحولات اعتراضی بزرگ دیگری چون قیام توأبین، قیام مختار و حتی اعتراض سیاسی، مذهبی فقهای مدینه شد.

در یک بررسی کلی می‌توان از چگونگی موضع‌گیری حسین بن علی (ع) در برابر دستگاه خلافت در باز تولید فرهنگ نبوی و تبلور سازش ناپذیری و ظلم ستیزی فرهنگ علوی در کربلا را چرخه‌ای از تولید، باز تولید فرهنگ مذهبی، و مجموعه‌ای از معاریف شیعی پنداشت که توانست در حد فاصل فرهنگ نبوی و فرهنگ اموی، با عنوان استمرار فرهنگ علوی وارد عرصه‌ی ظهور شود و در عاشورا شکل حماسی به خود گیرد. این مساله همواره بر تحولات رو به اصلاح جامعه‌ی اسلامی موثر بوده و به حفظ و حراست از ساختارهای معنوی جامعه‌ی شیعه، انجامیده است و توانسته زمینه‌سازی جنبش‌ها و قیام‌های مذهبی در جوامع اسلامی را مهندسی نماید و این چرخه‌ی تولید و مدیریت فرهنگ می‌تواند بر لزوم شناسایی شاخصه‌های مبانی فرهنگ تشیع، به خصوص در عصر امام حسین (ع) تاکید ورزد.

### مهندسی فرهنگ

عبارت مهندسی فرهنگ که از مهندسی فرهنگی متفاوت و متمایز است، در حقیقت به نوعی چستی و ماهیت فرهنگی می‌پردازد و به این سوالات اساسی پاسخ می‌دهد که فرهنگ موجود چیست؟ ضعف و قوت های آن کدام است؟ فرهنگ مطلوب و آرمانی کدام است؟ فرهنگ های هدف که بر اساس شرایط و مقتضیات محیطی، مرحله به مرحله ما را به فرهنگ آرمانی نزدیک می‌کند کدام است؟ و نهایتاً فرهنگ موجود باید چه تغییراتی را بپذیرد تا به فرهنگ مطلوب نزدیک شود؟ بنابراین، مهندسی فرهنگ تعیین چهارچوب و شاخص و نهایتاً تعیین نظام و سیستم برای فرهنگ خواهد بود، تا به کمک آن بتوانیم فرهنگ ها را بازشناسی و حدود و ثغور آن را تعیین نماییم، و در صورت نیاز به تناسب نیازها طراحی مجدد کنیم، تا امکان پویاسازی آن در بستر زمان و حوادث مهیا شود. به این ترتیب، طراحی، نوسازی، و بازسازی سیستم فرهنگ، مهندسی فرهنگ است.

با مفهوم ارایه شده از فرهنگ و مهندسی، در مهندسی فرهنگ باید منظومه‌ی باورها، ارزش ها و رفتارهای موجود در عرصه‌ی فرهنگ را باز شناخت تا از طریق آن، چالش‌ها، تعارضات، انحطاط ها، انتقادات و نیز قوت ها شناخته شود و مبتنی بر فرهنگ آرمانی به دست آمده از وقایع تاریخی یا اصول شرعی مانند قرآن در عرصه‌ی دینی را بتوان شناسایی نمود و در مرحله‌ی تکامل فرهنگ، هدف را به فرهنگ آرمانی نزدیک نمود. (پیروزمند، ۱۳۵۸: ص ۲۲۸)

### عوامل موثر در شکل‌گیری مهندسی فرهنگی امام حسین (ع)

اطرافیان نزدیک پیامبر (ص) که در راه اسلام متحمل زحمات زیادی شده بودند و در نزد مردم دارای یک نوع برتری طبیعی بودند، از همین روی در زمان حیات شخص رسول از هیچ نوع امتیاز مادی نسبت به دیگران برخوردار نبودند. با رحلت پیامبر، برخی صحابه در کشاکش بین ایدئولوژی اسلامی و بقایای ناخالصی‌های عصر جاهلیت، مغلوب نیروهای کهنه شدند و از همین نقطه، نطفه‌ی مصیبت‌های جهان اسلام بسته شد. در نتیجه، به صورت طفیلی‌هایی در آمدند که هدفشان میراث خواری قهرمانی‌های گذشته بود. در نتیجه، برتری‌طلبی و اشرافیت پدید آمد که اساس آن نزدیکی با پیغمبر بود و از این رهگذر از آنجا که در قرآن، نام مهاجرین پیش از انصار ذکر شده

بود، حکومت خاص قریش و مشورت حق انصار گردید و اهمیت این انحراف بعدها در قشربندی‌های برتری جویی بر عرب و غیرعرب، در زمان اموی بیشتر به وضوح پیوست. (موحد، ۱۳۳۶: ص ۹-۸)

این نکته خود گویای واضحی از دور شدن جامعه‌ی اسلامی از آرمانهای رسول خدا (ص) بود و دور از ذهن نبود که چنین جامعه‌ای، وصیت رسول خدا را در باب جانشینی پس از خود به فراموشی بسپارد و به جای توسل به امامت، نهاد خلافت را برقرار نماید. (دشتی، ۱۳۸۷: ص ۸۳-۸۲)

در واقع هر چه از رحلت رسول خدا (ص) بیشتر می‌گذشت، آثار و نشانه‌های دوری از فرمایشات ایشان و غلبه‌ی فرهنگ جاهلی بر فرهنگ اسلامی بیشتر به چشم می‌خورد، تا آن که در زمان عثمان که کار فتح ممالک تقریباً به سرانجام رسیده بود شکاف‌های اقتصادی با بن مایه‌ی بروز قشربندی‌های مالی نیز مشهودتر گشت و می‌توان گفت در زمان عثمان بود که آرام آرام اوضاع حکومت و اجتماع مسلمین نیز همسو با تحولات اقتصادی دگرگون گشت، زیرا تا آن زمان حکومت اسلامی وظیفه داشت در حفظ حقوق طبقات مختلف مردم، طبق موازین قرآن بکوشد و بر اجرای کامل قوانین نظارت نماید، اما متأسفانه در این زمان، این وظیفه رو به فراموشی نهاد و شاید به جرات بتوان گفت، دوران عثمان قانون شکنی از نهاد خلافت آغاز گشت و این عصیان به اقشار دیگر اجتماع نیز سرایت نمود و به نوعی تامین رضای خلیفه بر هر چیز دیگری مقدم بود. (هاشمی نژاد، ۱۳۴۷: ص ۹-۸)

بیت المال که در قوانین اسلامی درباره‌ی بهره‌وری از آن به نفع طبقات محروم اجتماعی سفارش شده بود، به صورت اموال شخصی خلیفه درآمد و کسانی که به این امر اعتراض می‌کردند، آشکارا از حقوق حقه‌ی خود محروم می‌شدند و حتی دشمنان پیامبر که از سوی ایشان، از مدینه به طائف کوچ داده شده بودند، در زمان عثمان به مدینه فرا خوانده شدند و مورد احترام قرار گرفتند و درب بیت المال روی آنها گشوده شد. علاوه بر آن، معاویه نیز به عنوان حاکم شام، رفتارهایی همانند خلیفه، از خود نشان می‌داد. (همان، ص ۱۹-۹)

فراموش کردن قوانین و قواعدی که رسول خدا(ص) وضع نموده بود، تا آن حد پیشرفت که در همین زمان، "ولید بن عقبه" با آن سابقه‌ی سوئی که در دوران حاکمیت پیامبر (ص) در مدینه داشت، نه تنها به حکومت کوفه رسید، بلکه مست به مسجد آمد و نماز صبح را چهار رکعت برگزار نمود! و آرام آرام مدینه خواستار خلع عثمان شد. (همان، ص ۲۰)

پس از عثمان نیز معاویه، از بیعت امام وقت سر پیچی کرد، به علاوه با او به جنگ برخاست. به حکم قرآن، مسلمانان باید با او می‌جنگیدند، تا تسلیم شود، که نه‌تنها چنین نشد، بلکه امام از خلافت عزل شد و معاویه به قدرت رسید.

با کشته شدن امام علی(ع) در سال چهارم هجرت آخرین امید برای بازگشت حکومت سابق به نصاب پیشین آن از میان رفت، صلح حسن به علی (ع) با معاویه، فرزندان امیر را به آرزوی دیرین خود رسانید. معاویه در ده سال نخستین زمامداری خود، درصدد برآمد، اصل انتخابات برای تعیین زماندار از جانب مردم را نقض کند. هنوز بیست سال از آخرین مراجعه به آراء عمومی برای انتخاب خلیفه نگذشته بود که بدعت دیگری در اسلام پدید آمد، بدعتی که یکباره نظام حکومت اسلامی را دگرگون ساخت و حاکم مسلمین بر این اساس تعیین شد که نه خدا را در آن رعایت کردند و نه مردم را. پیش از چهل سال از مرگ رسول الله(ص) نگذشته بود که رسم دیگری از رسوم جاهلیت زنده شد. (شهیدی، ۱۳۶۷: ص ۸۲-۸۰)

گفته‌اند "مغیره بن شعبه"، پیشنهاد جانشینی پس از پدر را به یزید داد و سپس یزید آن را با پدر در میان نهاد. معاویه، مغیره را طلبید و گفت: انجام دادن چنین کاری از چه کسی بر می‌آید؟ مغیره گفت: بیعت کوفه را من، بیعت بصره را زیاد از مردم می‌گرفته و چون این دو شهر بیعت کردند، دیگر کسی مخالفت نخواهد کرد و پس از کسب اجازه از معاویه، مغیره به کوفه رفت و گروهی از هواخواهان بنی امیه را طلبید و به آنان مالی فراوان داد و آنان را به سرکردگی پسر خود نزد معاویه فرستاد، تا از وی بخواهد یزید را به ولیعهدی برگزینند. چون به شام رسیدند، معاویه از پسر مغیره پرسید: پدرت دین مردم را به چند خریده؟ هر یکی سی هزار درهم! ارزان خریده است! (ابن اثیر،

۱۳۴۴: ص ۵۰۳)

گذشته از این توطئه، معاویه هفت سال برای این کار زمینه‌سازی کرد و با یکایک صحابه به گفتگو نشست، تا بداند آنان تا چه اندازه با فکر او موافقاند و تا چه اندازه مقابل وی خواهند ایستاد. (شهیدی، ۱۳۳۹: ص ۸۵)

سرانجام نیز موفق شد تا برای وی بیعت گرفته و او را به کرسی خلافت اسلامی بنشانند و به هنگام احتضار و مرگ، یزید را فرا خواند و به او چنین وصیت کرد: ((مراقب حسین بن علی، پسر دختر رسول خدا (ص) باش، که او محبوب‌ترین افراد نزد مردم است. پس پیوند خویشی ات را با او نگه دار و با وی مدارا کن تا کارت سامان بگیرد و اگر کاری (شورش) از او پدیدار شد، من امید دارم که خداوند کار تو را به وسیله‌ی کسانی کفایت کند که پدرش را کشتند و برادرش را و نهادند. (محمدی ری شهری، ۱۳۸۸: ص ۱۵۱)

با این همه، حادثه‌ی عاشورا و حرکت امام حسین (ع) را نمی‌توان هم خارج از معتقدات و باورهای مسلم شیعه که برگرفته از قرآن و سنت و تاریخ است و نیز مسلمات عقلی و عقلایی تحلیل کرد، و هم زمینه‌ی اجتماعی و سیاسی موجود در بسترهای جامعه‌ی زمان امام حسین (ع) را نادیده گرفت. (همان، ص ۳۲۴)

به علاوه آنکه سکوت سیاسی تشیع در دوران امام حسن (ع) نقش بسیار عمیقی را برای شروع خیزش هواداران علی (ع) ایفا می‌کرد، که می‌توان از آن به عنوان بستر آماده‌ی اجتماع یاد نمود، به علاوه باید بر انگیزه‌های شخصی امام نیز تکیه کرد، که با بینش عمیق دینی خود تحقق سیستم حاکمیت اسلامی به دور از ریشه‌های جاهلی را، تحقق سازند. (دستی، ۱۳۷۷: ص ۱۰۴)

مبارزه با حکومت استبدادی و باطل اموی که نه به آزادی و انتخاب مردم احترام می‌گذاشت و نه وحی الهی و ارزش انسانی را رعایت می‌نمود که اگر تحقق می‌شد می‌توانست زمینه را برای شناخت مردم تحت حاکمیت اسلامی از قوانین الهی فراهم نموده، آن را عادلانه اجرا نماید و در آن به امنیت اجتماعی دست یابند و با پاسداری از حرمت اسلام و قرآن، جان و مال و ناموس مسلمانان را محافظت نمایند، که در نهایت امام حسین (ع) با عدم بیعت با یزید اولین گام را در جهت تحقق چنین جامعه‌ای برداشت و با استقبال از شهادت مسیر تحقق چنین جامعه‌ای را نمایان نمود. (همان،

ص ۱۰۵)

### تأثیر فرهنگ حسینی بر شکل گیری قیام های اعتراضی با هدف خون خواهی و عدالت خواهی

پس از آنکه خبر قیام امام حسین (ع) و اسارت خاندان رسول اکرم (ص) به سرعت در سرزمینهای اسلامی منتشر شد؛ پشیمانی کوفیان و آگاهی اهالی شام را برانگیخت. مدینه با ورود اسیران خاندان پیامبر، ابتدا غرق در ماتم شد و پس از اطلاع از عمق فاجعه و جنایت سپاه یزید، نفرتی توام با خشم در دلها ایجاد کرد. حاکم مدینه آرامش قبل از طوفان را به اطلاع خلافت شام رسانید و با موافقت یزید، بزرگان مدینه به منظور بازگرداندن آرامش و استمالت، به شام گسیل شدند ولی آنان به محض ورود به شام که پایتخت امویان و خلافت اسلامی بود به عدم شایستگی یزید به عنوان جانشین رسول خدا (ص) واقف گردیدند و مبلغ پنجاه هزار درهم هدایی یزید را به خرید اسلحه و آماده سازی مردم مدینه برای قیام بعدی اختصاص دادند. مردم مدینه آماده ی قیام شدند، چراکه حماسه ی کربلا، بسترهای مناسبی را جهت جنبش های بعدی پی ریزی نموده بود.

ابتدا، "عبدالله بن حنظله" فرزند یکی از بزرگان انصار را به رهبری برگزیدند و خاندان اموی حاکم بر مدینه را که بالغ بر هزار نفر می شدند، از شهر بیرون راندند ولی این قیام با فرستادن "مسلم بنت عقبه المری" و سپاهیان شامی در هم شکسته شد و مدینه در معرض بی حرمتی قرار گرفت که پس از واقعه ی کربلا، دومین عاملی محسوب می شد که به مشروعیت خاندان ابوسفیان ضربه ی اساسی زد.

سپاه شام پس از سرکوبی مدینه، به سوی مکه حرکت کرد تا با "عبدالله بن زبید" که پس از فاجعه ی کربلا، مردم را به بیعت خویش فراخوانده بود، سرکوب نماید. اما، مسلم بن عقبه در راه فوت کرد و فرماندهی سپاه را "حصین بن غیر" عهده دار شد و همو بود که مکه و حرم امن پروردگار را با منجیق به آتش کشید؛ ولی انتشار خبر مرگ یزید، عامل بازگشت وی را از مکه فراهم نمود. (مسعودی، ۱۳۴۴: ص ۹۷)

این اختلافات یزید در طول سه سال حکومتش، موجب سقوط شاخه ی اول امویان، یعنی آل ابوسفیان گردید و حکومتی را که با سیاست ها و زیرکی های خاص معاویه در طول بیش از چهل سال شکل گرفته بود، نابود ساخت و فرزندش معاویه بن یزید پس از چهل روز، خلافت را واگذار کرد. (واصف، ۱۳۷۰: ص ۴۴-۴۰)

پس از وقایع کربلا، کوفه در مقابل سپاه شام شکست خورد ولی شیعیان مخلص امام (ع) که به برخی از سران پیمان شکن کوفه، اعتماد کرده بودند و به دعوت امام پرداخته بودند، پشیمان شدند و جبران آن را جز با قیام در برابر خلافت اموی و انتقام گرفتن و یا شهادت نمی‌دیدند. از سوی دیگر، کناره گیری معاویه بن یزید از خلافت، اختلافات داخلی امویان را نمایان تر کرد و رقابت بین اعراب شمالی و جنوبی آشکار گردید که در سرانجام این جنگ ها، مروان توانست شام را اشغال کرده و خلافت را به دست گیرد.

از سوی دیگر با آرامش نسبی کوفه، یاران امامت اجتماع کرده و به یارگیری جهت ادامه ی مبارزه، هم پیمان شدند و به شکلی مخفیانه ارتباط با یکدیگر را در کوفه و شهرهای اطراف حفظ کرده و منتظر فرصت برای قیام شدند. مرگ یزید و ضعف سران اموی، زمینه ساز فرصتی بود که سران شیعه از آن بهره جسته و دعوت خویش را آشکار سازند. اینان به جهت آنکه امام را دعوت کرده و سپس در یاری وی سستی به خرج دادند، خود را گناهکار دانسته و جز توبه‌ای که با کشتن دشمنان و قاتلان امام یا شهادت خویش توأم باشد، راهی نیافتند، از همین روی به ((توابین)) معروف شدند. (آزاد، بی تا: ص ۷۵)

به گفته ی ابومخنف، وقتی یزید و ابن زیاد در بصره بودند، در زندان وی چهار هزار و پانصد نفر زندانی که اغلب از توابین، شیعیان علی (ع) و بزرگان حکومت به شمار می رفتند، محبوس بودند. اینها از زمان حکومت معاویه در زندان بودند و راهی برای کمک به امام حسین (ع) نداشتند، همین زندانیان به رهبری ((سلیمان ابن سرد خزاعی)) به تعقیب ابن زیاد پرداخته و شعار خویش را ((یالثارات الحسین)) قرار دادند. (ابو مخنف، ۱۴۰۵: ص ۲۵۳)

قیام مختار بن ابی عبیده ی ثقفی که از لحاظ زمانی در بستر مناسب فجایع بعد از عاشورا و تقریباً مقارن با قیام توابین، به وقوع پیوست. این حرکت که پس از قیام توابین شکل گرفت از ظرفیت بالایی برخوردار بود، زیرا توانست با جذب باقیمانده ی توابین و جلب نظر و همکاری "ابراهیم بن مالک اشتر" قدرت خود را در میان شیعیان کوفه، تحکیم بخشد.

مختار، از شیعیان و طرفداران حسین بن علی (ع) در کوفه بود و گویا مسلم بن عقیل در ابتداء ورود خود به کوفه نزد مختار رفت و عبیدالله بن زیاد، حاکم اموی از همکاری وی با مسلم مطلع

شد و وی را دستگیر و زندانی نمود، که به خواهش عبدالله بن عمر، شوهر خواهر مختار و به فرمان یزید بن معاویه از زندان آزاد شد و رهسپار حجاز گردید. همزمان با قیام تواین وارد کوفه شد. (طبری، ۱۳۷۵: ص ۵۸۱-۵۶۹)

در این زمان حاکم کوفه، عبدالله بن مطیع بود، که به دقت شکل گیری قیام مختار را زیر نظر داشت، ما در درگیری با طرفداران مختار و فرمانده اش، ابراهیم بن مالک اشتر شکست خورد. مختار در سال ۶۶ هـ ق بر کوفه و شرق سرزمینهای اسلامی مسلط گشت و خود را نماینده محمد بن حنفیه فرزند علی بن ابی طالب (ع) معرفی نمود و هدف اصلی خود را گرفتن انتقام از قاتلان حسین بن علی (ع) اعلام کرد و واگذاری قدرت را به خاندان علی (ع) خواستار شد. عده‌ای به جهت بررسی درستی ادعای مختار، که امارت خود را از طرف محمد بن حنفیه می‌دانست، راهی مکه شدند تا از محمد سوال نمایند، محمد چنین پاسخ داد: "چقدر دوست داریم که کسی حق ما را بگیرد و دشمن ما را بکشد". (شیخ مفید، ۱۳۳۹: ص ۴۲۵)

مختار با دستیابی به کوفه، سرپرست شرطه‌ی شهر را مامور کشتن و خراب کردن خانه‌های کسانی کرد که در جنگ با امام حسین (ع) شرکت کرده بودند. سپس ابراهیم بن مالک اشتر را با سپاهی بیست هزار نفری، مامور سرکوبی سپاه عبدالملک به فرماندهی عبیدالله بن زیاد ساخت. نکته‌ی بارز این حرکت را می‌توان در ترکیب جمعیتی ایرانیان در سپاه مختار دانست. (دینوری، ۱۳۶۴: ص ۳۳۸)

در این نبرد، ابراهیم سپاه شام را شکست داده و با غنایم فراوان به کوفه مراجعت نمود و تعقیب قاتلان امام را از سرگرفت، در نتیجه بسیاری از بزرگان کوفه که در فاجعه‌ی کربلا دخیل بودند، با توجه به فرهنگ قبیله‌ای حاکم بر جامعه‌ی آن روز، موفق شدند به تحریک مردم کوفه پرداخته و بیش از ده هزار تن از کوفیان را با خود همراه سازند و پس از پناه بردن به بصره، حاکم آن "مصعب بن زبیر" را به جنگ با مختار و شیعیان تشویق نمایند. با این حال مختار در مدت هجده ماه، حاکمیت بر کوفه و مناطقی از ایران، قاتلان امام حسین (ع) را به شدت تعقیب کرد و از میان برداشت و عاملان اصلی کربلا، چون عبیدالله بن زیاد و عمر بن سعد را به بدترین نحو به قتل رسانید و سر عبیدالله را به مدینه نزد امام علی بن حسن (ع) فرستاد. بنابر نوشته‌ی یعقوبی، امام

سجاد(ع) که کسی وی را پس از واقعه‌ی کربلا خندان ندیده بود، شادمان شد و دستور داد، میوه‌های فراوانی نزد مردم مدینه پخش کنند. (یعقوبی، ۱۹۶۰: ص ۲۵۹)

در نتیجه مختار توانست، شادمانی را به خاندان رسول اکرم(ص)، شش سال پس از واقعه‌ی کربلا باز گرداند. همچنین زمانی که سر عیدالله را با نامه‌ی ای نزد محمد بن حنفیه به مدینه فرستاد، محمد شاد شد و به سجده افتاد و خدا را به یاری اولیایش و هلاکت دشمنانش شکر نمود. (ابو مخنف، ۱۴۰۵: ص ۲۹۶)

طرفداران مختار، عموماً تا آخرین مراحل قیام بر پیمان خود استوار ماندند و قبیله‌ی "همدان" که از شیعیان صدیق امام علی (ع) بودند، مهمترین قبیله‌ی عربی بود که در کنار موالی مختار را یاری نمودند.

هر چند حکومت مختار را با عدل و انصاف توصیف می‌نمایند(همان، ص ۲۹۴)، اما قیام سرانجام با شکست مواجه شد. بسیاری از شیعیان و طرفداران خاندان بنی اکرم (ص) از دم تیغ مصعب گذشتند و قیام مختار نیز چون قیام توأبین به خون نشست و سرکوب شد. خشونت و فرهنگ قبیله‌ای دوباره بر کوفه حاکم شد، اما اندیشه‌ی مختار بر شکل‌گیری نحله‌ی فکری کیسانیه، ادامه یافت. (مسعودی، ۱۳۴۴: ص ۱۰۰)

در قرن دوم، اولین قیام علویان در شهر کوفه، قیام زید بن علی(ع) است. هدف وی از قیام، امر به معروف و نهی از منکر و خونخواهی امام حسین (ع) بود. (مفید، بی تا: ص ۱۶۸) در آغاز جمعیت زیادی به گرد او جمع شدند تا جایی که تنها پانزده هزار نفر در کوفه با وی بیعت کردند. (طبری، ۱۳۷۵: ص ۴۹۱)

نکات قابل توجه در قیام زید چنین است: اولاً ورود و اقامت زید در کوفه بسیار موثر و مهم بوده است، زیرا کوفه به عنوان پایگاه فعالیت شیعیان، خطرناک‌ترین شهر برای بنی امیه به حساب می‌آمد، زمانی که زید از هشام جدا می‌شد، به او گفت: جز کوفه هر کجا خواهی برو؛ (الهامی، ۱۳۹۴ ق:ص ۴۳۳) ثانیاً قیام زید سبب شد که حرکت‌ها و جنبش‌های شیعی بر ضد بنی امیه به جوش آید. (فیاض، ۱۴۰۶ ق: ص ۶۳)

ثالثاً، اگر چه زید بن علی(ع)، پس از امام باقر(ع) شریف ترین و بزرگوارترین و برترین از میان برادران امام باقر(ع) بوده و نیز مردی عابد، فقیه، بخشنده، دلیر و همواره با قرآن بوده است،(مفید، بی تا: ص ۱۶۸) در عین حال امام صادق(ع) از این قیام و قیامهای بعدی راضی نبودند. رابعاً حمایت سیاسی فقها و قضاوت عامه کوفه از این قیام که نمونه بارز آن ابوحنفیه است، به واسطه مودت اهل بیت(ع)، جزء قیامهای شیعی محسوب می شود. پس از شهادت زید، پسرش یحیی فعالیت های پدر را ادامه داد و از کوفه به مدائن و سپس سرخس و از آنجا به خراسان رفت و بالاخره در سال ۱۲۵ هـ ش کشته شد. (بلاذری، ۱۳۷۴: ص ۶۸۸)

### نتیجه گیری

جامعه اسلامی که در زمان حیات رسول اکرم(ص) شکل گرفت حاصل مبارزات طاقت فرسایی بود که حضرت در طول دوران رسالت خود با سخت ترین مصائب آن را طرح ریزی نمودند و شایسته بود که امت اسلامی پس از وفات ایشان بر عهد و پیمان خود در دفاع از تلاش های عظیم پیامبر باقی بماند. چرا که محمد(ص) توانسته بود با راهکارهای الهی و بینش عمیق اجتماعی خود جامعه‌ی جاهلی را مهندسی فرهنگی نماید و به حق به موفقیت بزرگی نیز نائل گشته بود که شاید در همان دوران تصور چنین جهش فرهنگی در جغرافیای عربستان برای امپراطوری های بزرگ زمان با امکانات وسیع‌شان قابل انجام و قابل درک نبود. اما متأسفانه با وفات رسول الله سنت های قبیله‌ای و جاهلی دوباره جانی تازه گرفت و تصور از برادری و برابری امت اسلامی که توسط پیامبر مهندسی شده بود جای خود را به اشرافیت طلبی و بازگشت به تفکرات ارتجاعی داد. بعلاوه آن که جامعه‌ای را که پیامبر مهندسی کرده بود، قرار بود در دستان علی بن ابی طالب قرار گیرد تا بتواند این کشتی بحران زده را به سواحل امن برساند که چنین نشد و ماجرای سقیفه، راه را برای پیشبرد مهندسی فرهنگی امت اسلام پس از پیامبر مسدود کرد.

هرچند علی(ع) و حسن بن علی(ع) سکوت را به عنوان مصلحت برای جامعه‌ی نوپای اسلامی در دستورالعمل خود قرار دادند اما حسین بن علی(ع) نیز دنباله راه آنها را در پیش گرفت. ایشان متعقد بودند جامعه‌ی اسلامی به قدری از مهندسی فرهنگ که به دست رسول الله طراحی شده بود دور گشته که دیگر تسامح و تساهل جایز نیست چرا که فرهنگ های اسلامی عملاً مورد نقض

خلفا و حاکمیت زمانه قرار گرفته بود. با این همه حسین بن علی (ع) تولرانس با حاکمیت زمانه را جایز ندانست و عملاً برای نخستین بار در تاریخ تشیع دست به حرکتی زد که نه تنها ابعاد آن در گستره‌ی تاریخ ماندگار شد بلکه در دورانهای پس از خود نیز فرهنگساز گشت.

برای حسین بن علی (ع) قابل تحمل نبود که حق امامت پدر و برادرش که توسط مصالح نظام اسلامی حذف شده بود باعث شود تا جامعه به سمتی حرکت کند که والی کوفه مست در برابر مسلمین نماز بگذارد و یا بیت المال مسلمین در اختیار راس حرم حاکمیت اسلامی قرار گیرد و کار تا بدان جا پیش رود که خلیفه مقام خلافت را به سلطنت موروثی تبدیل نماید. در نتیجه، حسین بن علی (ع) خواهان بازگشت به اسلام ناب محمدی (ص) بود، اسلامی که توانسته بود جامعه‌ی جاهلی عرب را چنان مهندسی نماید که پس از چند دهه مرزهای قدرت های بزرگ زمان را بشکافد و فرهنگ خود را در آن جوامع ترویج نماید. اما زمان حسین با زمان جدش رسول الله تفاوت های اساسی داشت و به همین واسطه، ایشان می‌بایست مفاهیم جدیدی را در کنار مفاهیم محمد (ص) مهندسی نماید تا جامعه را از فلاکتی که بدست حزب اموی گرفتار شده بود، رهایی یابد.

این مهندسی فرهنگ علاوه بر پیش انقلابی و اجتماعی امام ریشه در مفاهیم قرآنی داشت تا آنجا که تمامی منابع به درستی اشاره کرده اند حسین بن علی (ع) از ابتدای مخالفت با حکومت جور یزید و حرکت از مدینه تا آخرین لحظات شهادت و حتی پس از شهادت (بر سر نیزه) آیات نورانی قرآن را تلاوت می فرمود آن چنان که با قرآن اهداف قیام خونینش را تبیین کرد و به همین جهت درس‌هایی که آموزگار آزادگی در عاشورا به انسان‌ها آموخت، پیوند عمیق و ناگستنی با قرآن دارد و از آنجا که قرآن جاودانه است عاشورا نیز جاودانه شد و نه تنها شعله آن رو به خاموشی نرفت بلکه چنان مهندسی فرهنگ را طرح ریزی نمود که اثرات آن نه تنها دامن گیر بنی امیه و عامل سقوط آنها گشت بلکه در بستر همیشگی تاریخ حکومت‌های جابر بزرگی را از سریر قدرت به زیر کشانید که از نمونه های بارز آن در تاریخ کشورمان مبارزه با نظام طاغوت با الهام گیری از قیام انقلابی عاشوراست.

**منابع و مأخذ**

- ۱- ابن اثیر، (۱۳۴۴). الكامل فی التاریخ، ترجمه‌ی عباس خلیلی، ج ۲، تهران، اساطیر.
- ۲- ابو مخنف، لوط بن یحیی. (۱۴۰۵هـ.ق). مقتل الحسین، ترجمه‌ی محمد باقر و محمد صادق انصاری، تهران.
- ۳- آزاد، ابوالکلام. (بی تا). تاریخ کربلا، ترجمه‌ی سید غلامرضا سعیدی، قم، نشر حم.
- ۴- بلاذری، احمد بن یحیی بن جابر. (۱۹۷۴م). انساب الشراف، تحقیق محمد باقر محمودی، ج ۲، بیروت، مؤسسه‌ی علمی مطبوعات.
- ۵- بیهقی، حسینعلی. (۱۳۶۵). پژوهش و بررسی فرهنگی عامه‌ی ایران، مشهد، آستان قدس.
- ۶- پیروزمند، علیرضا. (۱۳۵۸). گفتگوی مهندسی فرهنگی، تهران، دبیرخانه‌ی شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- ۷- پیروزمند، علیرضا و مصطفی جمالی. (۱۳۵۸). تعیین الگو و طبقه بندی موضوعات در مهندسی فرهنگی کشور، قم، مؤسسه‌ی فجر ولایت.
- ۸- دشتی، محمد. (۱۳۷۷). فرهنگ سخنان امام حسین (ع)، چاپ اول، قم، مؤسسه تحقیقاتی امیرالمومنین.
- ۹- دینوری، ابوحنیفه احمد بن داوود. (۱۳۶۴). اخبار الطوال، ترجمه‌ی محمود مهدوی دامغانی، تهران، نی.
- ۱۰- شهیدی، سید جعفر. (۱۳۳۹). زندگانی علی بن حسین، تهران، بی‌نا.
- ۱۱- طبری، محمد بن جریر. (۱۳۷۵). تاریخ طبری، ج ۶، ترجمه‌ی ابوالقاسم پاینده، تهران: اساطیر، چاپ ۵.
- ۱۲- فیاض، عبد الله. (۱۴۰۶هـ.ق). تاریخ الامامیه و اسلافهم من الشیعه، بیروت: اعلمی.
- ۱۳- قرآن کریم.
- ۱۴- محمدی ری شهری، محمد. (۱۳۸۸). دانشنامه‌ی امام حسین (ع) بر پایه‌ی قرآن، حدیث و تاریخ، ترجمه‌ی عبدالهادی مسعودی، ج ۱۳-۹-۸-۳، قم: دارالحدیث.

- ۱۵- مسعودی، علی بن حسین. (۱۳۴۴ه.ق). مروج الذهب، ج ۲، ترجمه‌ی ابوالقاسم پاینده، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ۱۶- مفید، محمد بن نعمان. (بی تا). الارشاد، ترجمه سید هاشم رسول محلاتی، ج ۲، تهران: علمیه‌ی اسلامی.
- ۱۷- مودودی. (بی تا). مدلول فداکاری حسین (ع)، ترجمه‌ی سید غلامرضا سعیدی، قم: نشر حم.
- ۱۸- نهج البلاغه. (۱۳۷۹). ترجمه‌ی سید جعفر شهیدی، تهران: علمی فرهنگی.
- ۱۹- هاشمی نژاد، سید عبدالکریم. (۱۳۴۷). درسی که حسین (ع) به انسانها آموخت، تهران: فراهانی.
- ۲۰- یعقوبی (ابن واضح)، احما بن ابی یعقوب. (۱۹۶۰م). تاریخ یعقوبی، ج ۱ و ۲، بیروت: دار صادر.

